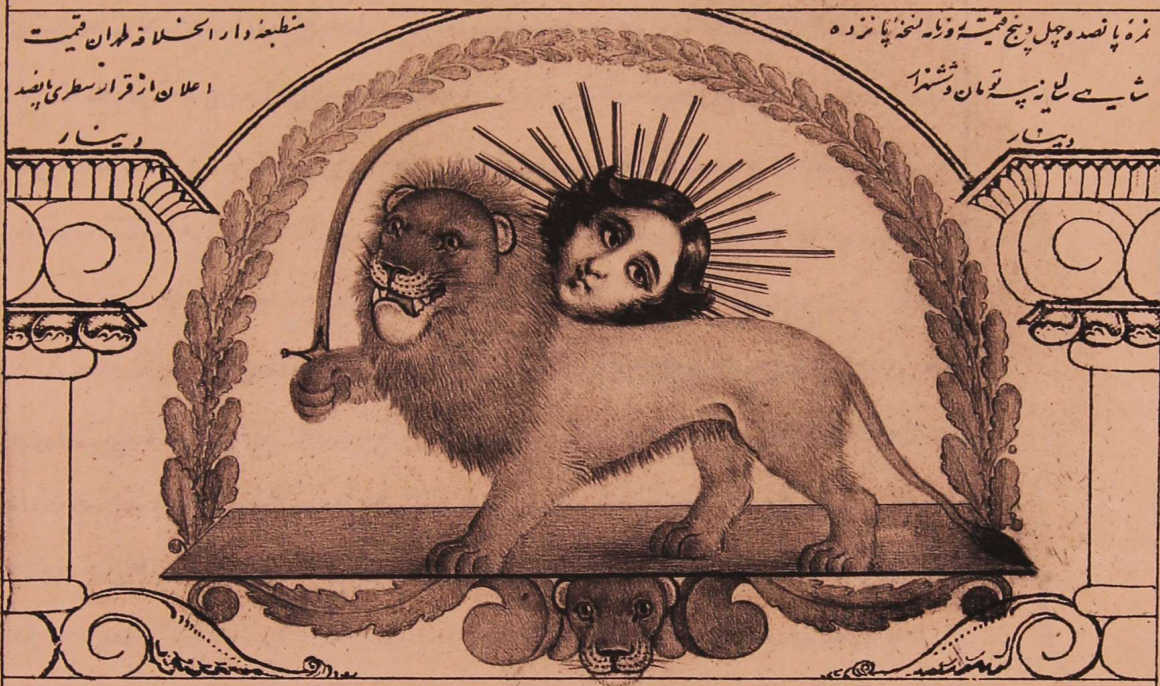


# روزنامه دولتی ایران

## تاریخ یوم شنبه پانزدهم شهر محرم الحرام مطابق سال شکوئیل سن ۱۲۸۱



## آخبار ممالک محروسه

تهدید و التماس و وجود مسوومینت نمودن باین بنیاد صحت مشغول اجرای قواعد خیریه و اشطام ملک و دولت هستند این اوقات که ایام محرم و تغزیه داری جناب خامس آل عبا حضرت سید الشهدا علیه آلاف التحية و الثناء بود نتیجه دولتی را که از پیشینه جدید عمارت مبارک که سلطنت آباد است بجهت تغزیه داری مهیت نموده حجرات و پومات نرا نشانرا دکان عظام و ویلی دولت کردن عدت و تجار با انواع اسپباب بپور و چراغ آراسته بودند این ده روز عاشورا هر روز تا سه ساعت حضرت شاهنشاهی تشریف فرمای بالا خان مخصوص ذات مکتوبی صفات گردیده و مشغول مراسم تغزیه و سوگاری میشدند و جمع اعیان دولت و رجال مملکت و قاطبه چاکران در حجرات متعلقه خود حاضر میگرددند و چون در ادای مراتب غداداری آن حضرت تکلیف بزرگ و کوچک و عالی و ادانی پادشاهی است قاطبه مردم از کسب بر رعیت در آن مجلس ذوق دخول و جلوس داشته و رسم تغزیه داری اچنانچه از اولیای دین بر آرد است کلاً با بعل آوردند و چون عین الملک خوایسار و حکمرانان زندران و سپهترباد در لوازم نظم نگیه و استقامات کاد که در محسنات جویان و کلیات امر تغزیه داری ظاهر نموده و در حضور مظهر رومیان کمال درجه قبول و استیحسان پذیرفت با عطا

مجلس تغزیه داری شاهنشاهی در روزهای اول محرم الحرام در محل عمارت مبارک که سلطنت آباد است بجهت تغزیه داری مهیت نموده حجرات و پومات نرا نشانرا دکان عظام و ویلی دولت کردن عدت و تجار با انواع اسپباب بپور و چراغ آراسته بودند این ده روز عاشورا هر روز تا سه ساعت حضرت شاهنشاهی تشریف فرمای بالا خان مخصوص ذات مکتوبی صفات گردیده و مشغول مراسم تغزیه و سوگاری میشدند و جمع اعیان دولت و رجال مملکت و قاطبه چاکران در حجرات متعلقه خود حاضر میگرددند و چون در ادای مراتب غداداری آن حضرت تکلیف بزرگ و کوچک و عالی و ادانی پادشاهی است قاطبه مردم از کسب بر رعیت در آن مجلس ذوق دخول و جلوس داشته و رسم تغزیه داری اچنانچه از اولیای دین بر آرد است کلاً با بعل آوردند و چون عین الملک خوایسار و حکمرانان زندران و سپهترباد در لوازم نظم نگیه و استقامات کاد که در محسنات جویان و کلیات امر تغزیه داری ظاهر نموده و در حضور مظهر رومیان کمال درجه قبول و استیحسان پذیرفت با عطا

تیمه حالایه

وقایع و باران مستد ایماون

کیوب کلچاز بوس پس بن هایون ترین افشار کردید همچنین حبشه کارخانه مبارک سردار ناپ نظراره و حاجی قاسم معین  
الکنا و سپیر مبارکین که بخوبی از محمده خدمتگذاری برآمده بودند فراد آمد و بذل خلاع و مرحمت انعام گردیدند و یکی  
اصحاب مجلس غراز و صنفه انان و غیره از انعامات و افره بهره مند و امیدوار شدند و دعاگوی ذات کثیر البرکات

هایونیه آمدند

چون این وقایع و احوال را بخلافه و صفحات شمیران نهایت کرمی بهر پند آمد بود رای هایون ملوکانه مقصنی گردید که پس از  
اتمام تغزیه داری و انقضای عاشورا چند روزی در شهر پستاک و نواحی آن تفریح و توقف فرمایند لهذا روز چهارم

شهر حال با بعضی از اولیای دولت و مثرین کاب به

شهر پستاک عنایت فرمودند

مقدمه اند و فرامیرزا حکمران عربستان و رستان و مضافات بجهت کمال کرمی تصفحات سوء مزاجی حاصل کرده و هوای آنجا مزاج  
مغزی الیه ناپساز کار کرده و بدون تغییر مکان معاجبات را سودمند نمیدانستند این اوقات فقط برای اصلاح و تنویر  
مزاج از حضور مرطوبور هایون پستدعی احضار شده که چندی مشغول معاجبات شود و از حکومت خود عیوضه استعفا داد و سرکار  
اقدس هایون شاهنشاهی استدعای مغزی الیه قبول فرموده و فرمان هایون با حضور او بشرف نفاذ مقرون گردید  
حکومت رستان را بصمیمیه حکومت کرمان و نهادند و پسر حداری عواقین به عا و الله و الله که در خاکبسی مبارک کمال ایفا  
و در پستکاری معروف و بنیاد صداقت و مردمداری موصوف است مفوض دو اکلدار منبره بودند و حکومت  
عربستان شخته الله و رحمت و مرجوع گردید کیوب قبای کلابتون دوز از بلو پس مخصوص بن هایون بجای الله

و یک قبضه قوه مکمل بالما پس شخته الله عنایت

و عطا کردید

امیرزاده خسرو میرزا که محض تقبیل عقبه علیه هایونی برکاب هایون آمده بود بشمول غایات و مراسم ملوکانه و اعطای نعلت حرمت

آیت خسرو از منقحر و پسر افراز کردید

عبدالعلی خان ادب الملک حاکم قم که همیشه اوقات مراتب ارادت خود را بطور خدمات در معرض صداقت ظاهر ساخته بود  
مورد شمول کمال مرحمت و عنایت شاهنشاهی خداوند مکه و سلطان آمده با عطای کبیطه نشان از درجه تیم پستی و حایل مخصوص

آن درجه پسر افرازی کمال

نمود

وقایع متعلقه بنظام

فرد ۵۵۵  
۳

توقیحان و افواج قاهره  
وقایع دربار سلسله امایون و انجمن

توقیحان و افواج قاهره هم روز در میدان مش حاضر و پیش نظام مشغول باشند. و پس سالار حجاب لامر محض اعدال  
مراج احاد و اسناد افواج قرار داده اند که این ایام که هوا از درجه اعتدال منحرف و حرارت بدرجه کمال غلظت نیست ساعت طلوع  
آفتاب نذره در میدان مش حاضر شده و در وقت مقرر خود را نموده مرتضی میزند و پس سالار خود نیز هم روز به سرکشی افواج  
حاضر میگردند. و نظر بخدمت محمد یوسف خان سر قبط مشارالیه را منصب سر قبطی اول سرافراز و کیش بکلیه طاعت مرحمت فرمودند  
چون و فوج مراغه صاحب منصب قابل کار دانی داشت که با سوارانها رسیدگی نماید و فوج مزبور را با آقا خان سر قبط اول و اکدا  
فرمودند که سر قبطی نموده سوارانها را نظمی بدادند. و فوج جدید یافت و در می بسوی میرزا علیخان پسر بهاء الملک که احضار  
رکاب همایون شده بود در این اوقات اردو را محلا کرده اند. و نظر بخدمت قاسم خان سر قبط امر فوج پانزدهم شقایق  
علاوه بر فوج مخبران شقایق بعد از مفوض و موکول داشتند. و مراتب شایستگی و لیاقت آقا خان پسر مرحوم عبدالصمد  
افشار که ابانجند خدمتگذار این دولت علیه باشد بعضی خاکپای همایون اعلی رسید محض شمول مرحمت خرداند و در باره او

منصب سر قبطی از درجه سیم در ریاست دیوانخانه نظمی مازندران برجسته

همایون قرین نباتات و افشار آرد

فوج ملایری بو اجمعی مرتضی قلیخان پسر وکیل الملک که در عرض فوج زرگنه سلطوی کرمان بدر بار معدومت ارا حصار شده بود  
در سلطت آباد بنظر مرحمت اثر همایون رسید در کمال آراستگی بود در این اوقات بکرمان غزیت خواهند نمود که فوج  
زرگنه مراجعین

فوج ماکو و پسناره ماکو ابو اجمعی حاجی اسمعیل پاشا پسر علیخان ماکوئی که مدتی بود در صفحات خراسان امور خدمات بود در این  
اوقات ایام ماموریت آنها منقضی شده احضار شده بودند که بجا نهای خود بردند در سلطت آباد بنظر مبارک رسید در کمال  
آراستگی بودند در مدت ماموریت کمال خدمتگذار می زانها در ماموریت سرخس از قد بر دن با نجا و جلاد تها می گیر ظاهر  
شده بود و با کمال نظم حرکت کرده بودند خاطر مبارک از نظر خدمتگذار می آنها را رضی گردیده مورد کمال مرحمت طوکانه گردیدند  
یک فوج تبریزی از افواج توقیحان که بعد عرض سلطوی سرحدات احضار در بار معدومت ارا شده بود در این اوقات اردو را  
شده و بنظر همایون رسیدند. و چون توقیحان آذربایجان ابو اجمعی پسر عبدالملک است کمال اهتمام در آراستگی و انتظام  
کلیه توقیحان آذربایجان کرده است این یک فوج هم که بنظر همایون رسید کمال آراستگی داشت و خاطر مبارک از نظر صدقت  
و خدمتگذار می پسر عبدالملک قرین خرسندی رضامندی گردید کمال نوازش و مرحمت ظاهر فرمودند

وقایع متعلقه نوزاد سلووم و متعلق بها

چند روز قبل جانی بی بصاعت غافل بچای افاده بود و پایش شکسته ردا در آنجا آورده پای در بسته بود از اینکه ردا

استخوانهای پراچنانچه باید ذکر کرده و بسیار سخت چیده بود پای و میوب و گوشتش ریخته زنگ استخوانش سیاه شده بود او را  
 بدرسه دارالفنون آوردند میرزا ایت طیب بزرگ قطع پا عیلاجی نذید و چون ضعف زیاد می داشت هم آن بود که در ضمن قطع پا جانش از دست  
 برد و چند روز او را با شراب که کفایت کرده و بعد از آن در حضور جمعی از متعلمان مدرسه پای او را قطع کرده و در کماهی است  
 شمع گذارده و حال او روز است که پایش مقطوع و بالتسیام آن مشغولند و امیدست که تا دوه روز دیگر زخم پاهای پیوسته حاصل  
 نماید و چون مریض زبور بنایت بی بی صاعقت جعفرقلیخان رئیس مدرسه خانه در حوالی مدرسه بجهت او گریه کرده و مخرج او را از خود تحمل شد  
 این واقعات که ایام عاشورا و زمان تعزیه داری و سوگواری حضرت فاطمه علیها السلام و علی آباء العجا و ابنت العدا  
 آلاء القحیه و الشنا بود در دارالفنون نیز چون سایر مدارس متدی در غیر تعطیل بوده ولی مالی کار خانجات خود در دور و نزدیک  
 و عاشورا لایبداً مشغول عمل خود بودند

وقایع متعلقه بوزارت خارجه

عسکرخان سرمنگ که در ایام باعورتت بر سر پستی را مندا روی و پسلا سرع همانذاری سفرای دول متجا به از جانب حکام آذربایجان  
 محاسن قاروقا قاده دانی و کفایت را بطور آرد و باعث شمول الطاف ملوکانه در حقش را لیکر دیده بر حسب فرمان هایون  
 بمنصب سرتپی از درجه سیم و مهاخاری سفرای دول متجا به پس از آنکه دیده مقروض شد که همیشه از جانب بنی انجرا بنی هایون از  
 دارالسلطنه تبریز الی دارالافتخار تبریز سفرای دول متجا به مشغول باشد و حسن قاروقا و صدق مراقبت را ظاهر سازد  
 حاجی میرزا علی اکبر که با اتفاق مرحوم مشیرالدوله سفر او حضرم مشغول انجام خدمت دیوان اعلی بود و از امور تجاری خارجه متحصلاً  
 کافی دارد در مراتب صدق خدمت و قاعده دانسته و بعضی حضور مرحوم ملوکا رسید بمقتضای التفات خسروانی بر حسب فرمان  
 هایون مقرر گردید که در دایره ممام خارجه آذربایجان بصلا حدید میرزا عبدالوهابخان نایب الوزاره مشغول خدمات مقرر شده باشد  
 بملاحظه مراسم دوستی و اتحاد دولتین سپلاستین ایران و عثمانی که چاکران بود دولت در حکم واحد میباشند و با تیزات حضرتین  
 نایل میشوند لذا با تفصیل بصاحبان سفارت دولت عثمانی مقیم دارالافتخار تبریز مشان سمت و اعطای ایف

اسمعیل افندی نایب اول سفارت      ناظم افندی نایب دوم سفارت      محمداغلی افندی حکیم سفارت  
 از درجه دوم      از درجه سیم      از درجه سیم

اعلان دوستی

چون برای بت حضرت عبدالعظیم علیه السلام و التکریم قبل ازین حدود قرار می معین نبود و گذشته از مظلوم هر یک از طبقات مردم که در کتب  
 خطا و تقصیری میشدند و از وی تقدیر میکردند و من و مکن خود قرار داده با رومی نیریشد و اینقره با سبب جارت اشرار و غرضهای  
 خطایا و تقصیرات آنها شده بود و فی الحقیقه از نظم قواعد شریعت غرأ آمدند و جایکاست و ضل کلی با مورد دولت و اه می یافتند و اندک

وقایع متعلقه بوزارت خارجه

عظام با علمای فحام حاجی ملا میرزا محمد و حاجی ملا علی پهلما استعالی در مجمع شورای کبری حضور بهم رسانده بدین موجب حدودی ابی بت حضرت  
 قرار گذاشته اند که برای اشعار ناظرین نگاشته شود هر یک از مرگین خطای ایشان که با ستاد حضرت قلمی شود بنحوی که مرگوست محو گشته  
 اگر مدعی در مدت معینه ادعای خود را در صورت صحت و امکان عدم معاذیر پذیرفته شود و در صورت عدم صحت و امکان عدم معاذیر پذیرفته شود

و الا مرخص خواهد بود که بهر جا میل دارد برود

صورت صلاحید اولیای دولت علیه که در مجلس شورای کبری برای دولتی با جنو علمای ملت

سینه حاجی ملا میرزا محمد و حاجی ملا علی در باب قرار مدالبت

حضرت اده اند و موشخ بدستخط همایون است

سواد دستخط آفتاب مظها یون آقا دستخط سلطانه

صحیح است از همین قرار مجری شود

سواد خط و نوشته مجتهد الزمان حاجی ملا علی پهلما استعالی در صدر ورقه	سواد خط و نوشته مجتهد الزمان حاجی ملا میرزا محمد سلطانه در صدر ورقه
از باب محض تقویت حکام الله تعالی و انفاذ و اجرای حدود و شریعت که پیوسته مکتون خاطر مبارک حضرت همایون شریاری روح البین	از باب محض تقویت حکام الله تعالی و انفاذ و اجرای حدود و شریعت که پیوسته مکتون خاطر مبارک حضرت همایون شریاری روح البین
استقامت در تقویت ملت اجرا احکام الله تعالی با ملاحظه احترام بقاع شریفه و تعظیم شعائر الله جل و علا فرموده خواهد بود	استقامت در تقویت ملت اجرا احکام الله تعالی با ملاحظه احترام بقاع شریفه و تعظیم شعائر الله جل و علا فرموده خواهد بود
مسائل دولت قوی شوکت رابی زوال فرموده است برهان زیاده بر اینها تقویت شریعت از اجراء او امر و نواهی	مسائل دولت قوی شوکت رابی زوال فرموده است برهان زیاده بر اینها تقویت شریعت از اجراء او امر و نواهی

و علیه التکلان فی ثالث شهر محرم ۱۲۸۰ شرح و ترتیب و احکام ایلیه خواهند فرمود

در باب قرار مدالبت حضرت عبدالعظیم علیه السلام و التکریم که از جانب شیخ ابوالحسن ایوبی محض استحکام امر ملت و حفظ قواعد شریعت است  
 مقرر شده بود که در رای کرام با استحصار و صلاح جنابان شریفان ملایان لانا کمفی الا سلام مجتهد العصر و الزمان حاجی ملا میرزا  
 و حاجی ملا علی شیع آهلیسین بطول بقائهما در مجلس شورای کبری دولتی حضور بهم رسانده که در فقره مزبوره نمایند و قرار صدی براس  
 بت حضرت عبدالعظیم علیه السلام که از آنکه احترام بقاع شریعت و انفاذ و اجرای او امر خداوندی هر دو جمع آید و مال جان و عصمت لیلین از  
 سواد کتاب اشرا امت محفوظ ماند لندایوم پیشین پست دوم شهر ذی القعدة الحرام ۱۲۷۹ در دولت کربلای فی متعلقه دولت حضور بهم رسانده  
 چون این نیت فرخنده همایون فقط برای ذاعت ملت و خوف برخی اقله نبیسه بود جنابان آقایان کرام پیش منظور می فرمودند  
 و پیشرفت امور ملت نداشتند و نذا رند کمال همراهی وقت را در آنجا فرموده با اجازه و صلاح جوئی ایشان قرار این شد که در قسم  
 مقصود و خالی که در کتاب قتل مرتقا یا تنگ عصمت و ناموس مسلمی واقع شود چون ز فاعده ملت خارج و محرمات ممنوعه را مرتکب  
 شده و موافق حکم شریعت ماطلی و مقصود لازم التنبیه است چنانچه با آن قبح پیرت و عمل ذمیه قلمی با پستانه مبارک شود

تجدید و قیام در بار شریعت ایوبیون

حضرت و خدام آنرا که قبول آنها را کرده از بذل حفظ و عنایت حمایت که یانه نایوس خواهند و حکایت سینه و اعمال  
 قیمه او را بنظر آورد و از خطا و تقصیر و اعدا و با خبر و متزلزل خواهند نمود تا موافق مشرک و او چند نفر از اشرف و آشنایان  
 خود استاند مبارک که او را در موضعی از اماکن بست که از جانب دولت محض شکوه حضرت ۴ و حفظ مقصر محسب فرار داده شده است  
 بعضی یکدیگر از این قسم غافل دهنل آسانه مستبر که شد و جناب متولیس با شایسته تقصیر او را اصفا نمود از جانب حضرت ۴ او را بفراسپا  
 استاند مقصد بسیار و در محسن معین و بن اذیت و شکنجه پس نماید اینست جنس پست است اگر در مشغول استخوان صلیک ادعای غلطیست نماید  
 در نظرف مدت که راه باشد در محض جنابان آقایان فیصلهها یا یکفر از علما و دینیه که آقایان معزنی ایها امصت نماید ادعای خود  
 بیوث شرعی رساند بجز حکم خدا و رضایت در مشغول با قتل بقصاص میرسد یا رد دیت شود و همچنین در باره آن که مرکب  
 دیگر هم که غیر قتل باشد هر چه حکم خدا و مذی است اجرا میشود و حد و دیکه در شریعت غیر ابرامی تقصیرات نشد معین شده جاری میکند  
 در صورت ثبوت و حکم قطعی عمای شرعی و لا که در اینست عایق مذ است و ثابت نکرد مقصر مذون است بهر جا برود و که  
 نباید مقترض شود و متولیس با شایسته سایر خدام و فراسپا شایسته نوشته خواهد که فلان بلبست قتل یا سرقت و غیره پسته ۴  
 جنس مذ چون شده عا ثابت نشد مقرض است و بهر جا که بخوابد و در مختار خواهد بود و از جانب دولت مصارف مجبور داده  
 میشود ای که از جانب دیوان برای رسانیدن مخارج ایشان یونانی مال لازم است مقرر می شود و خواهد

رسانید

### اعلان نامه

چون چطور که عدلی مقتصد دینار داد و پستد مید صرفان خوانه پستید بعد از کسر قال و غیره در یکصد و پستیزده عدد آن که با  
 وزن پنا باد مسادی باشد شته از او پانصد دینار کپس و دینار و اگر همین احوال باقی میکند آشد با مال موجب ضرر و  
 خسارت دولت و رعیت میشد لند اکپس از او هر عددی بر آورد کرده با پستحضار و اولیای دولت علیه قرار کند آشد  
 که اگر عدد چطور در ششصد و پست و دینار که نوزده پول سیاه ایران باشد در واج کرده ضرر او مرتفع شد با وزن پنا باد  
 مسادی خوانه آمد و برانی خوانه عامه و ملت بی عیب خواهد بود از جانب نسی اجواب همایون حکم بقیر الممالک و بعضی از  
 ممالک محروسه صادر شد که چطور را همین مبلغ در خوانه قبول در واج کرده مراقبت نماید که زیاده داد و پستد نماید در ضمن  
 روزنامه هم اعلان میشود که بعد دولت علیه از تجار و غیره ازین حکم استحضار حاصل کرده عدد چطور را در ششصد و پست و  
 داد و پستد کند و علاوه از آن در واج نمسند اگر کسی زیاده از آن قبول کند بید خود از عمده کسر آن

برآید

ت

توجه واقع در الحکام شاهانه

نصفه ۵۳

دایم خواجهان

از قرار که از خواجهان گذشته بودند این اوقات سیصد نفر سوار ترکان از طایفه پسا لور و سارق بغزم تاخت از میان  
 کوه پور و غوریان هرات گذشته بسمت خراسان آمدند بودند در آن اثنان از قزاقان با هم بمظفرآباد و به خبر میر سپید فرار  
 بابا خان سپیدوسف خان سر قپ هزاره را با سواره بود اجمعی او و سوار با خرمی بس وقت آنها روانه میکند  
 مشارالیه ده نفر از پیش بقدری میفرستد و خود مستعداً با کمال تعجل از عقب روان میشود همیشه بر باط ترک میر سپید شخص  
 میشود که سوار الامان بسمت قایات رفته اند از جا بخاجی آنها را برداشته بمیان ولایت قاین میروند و در فتنه  
 اسفیدین وقتیکه آن سوار از تاخت برگشته بودند تلافی طرفین واقع میگردد بابا خان و سمرانان و بلا تامل با مردان  
 و قاتل اشتغال نموده تخمیناً دو ساعت دعوی میکنند و از فضل خدا و فرآقبال پسر و آل سایه خدا کشت فاحش  
 بآنها داده اول مال و اسیری که برده بودند استرداد نموده آزاد مینمایند پس از آن آنها را تعاقب نموده  
 سی و هشت نفر اسپر و سر و چهل و سه را پس از آن طایفه مخدول العاقبت میگردد و بقیه مخدول و مکتوب  
 فرار میکنند بعد از فراغ از پیغمبر معلوم میشود که اینها سوار پسا لور بوده اند یکصد و پنجاه نفر سارق هم از آنها جدا شده  
 با تاخت کنایه طلب رفته است بابا خان سر و اسیری که گرفته بوده است با بعضی از سوارهای حسته و امانده بخواجه  
 میفرستد و خود با سایر سواران شیر شکار بجانب کنایه میرود بعد از یکروز معلوم میشود که آنها هم دشت  
 پایزرا تاخت و تاز و مال و اسپر زیادی برداشته میروند سر راه آنها را نیز گرفتند مردان جنگ میکنند و این  
 دسته را نیز نکشت داده اموال و اسرار استرد می نمایند و دو نفر اسپر سر و می و دو را پس با هم  
 از آنها میگیرند و نهایت پاداری و بهادری را درین دو دعوی بطور میرسانند در آزای این نوع خدایکند  
 و جان نثاری آنها یک قصه شمشیر راق طلائع از جانب سنی ابجانب اقدیس پادشاهی بجهت بابا خان و  
 عدویشان طلاء نقره برای باقی سواره انفاذ نزد حاکم السلطنه کردید که آنها برسانند و این معنی با  
 تشویق دیگران کردیده کمال موافقت و رشادت را در آنصورت عمل آورند و زیاده

مشمول عنایات خمره اند  
کردند

ما زندان از قرار روزنامه که از آنجا رسیده است این اوقات از توجهات موجهه و تأکیدات مؤکده  
 عین الملک خواجهان و حکمران مازندران و اسپر آباد و اهتام و موافقت بهار الملک میرزا مصطفی خان مو  
 آنولایت بوفور نظم مقرون و از تعلق معایب و معایب محفوظ و مضمون است و فوراً حضرت و اهب العطا یا  
 کالاحاصل در عیاد و برای بدعای دوام دولت جاوید آیت همایون مشغل چاشند

دایم خواجهان

تاریخ دولت ایران

چند نفر از مشایخ و معارف پارسین که همواره در منشأ فساد و مایه مارت و خسارت اهل بلاد مازندران بودند این اوقات دستگیر نموده هر یک را علی قدر جنایات تم بیاسیات و دشمنیات دوچار سپاه نمودند. چون بهار الملک حساب لامر مامور سرکشی اسپتراباد و رسیدگی امور تصفحات بود آقا خان سرتیپ و رئیس دیوان نظامی مازندران را که بوفور کفایت و معقولیت معروف و موصوفت نیابت خود برتران نموده است که در ایام غیاب مشارالیه از وی کمال ثباتی که مشغول امور ولایتی در رسیدگی عوایض و مطالب رعیت بوده باشد و حتی حد و صداقت و پغزینص خود را بطور زیاده بها الملک در تصف شد و بجهت احترام بادویت نفر سوار کرد و کت که هم با تمام میرزا محمد یحییان سپرد کمال آراستگی و ارزندگی اسپتراباد گردیده است و آقا خان سرتیپ نیز در ترتیب اسباب آسایش رعیت و شطیم امور دیوان تصف آیت لازم سعی و اهتمام مرعی داشته

و میدارد

این اوقات بهار الملک بخواجه جمیع اهل ولایت اسپتراباد میرعلینقی خان فخر سپکی را که بحال کفایت معروف است بمنصب پیشکاری و رئیس سفیدی اسپتراباد و محمد علیخان نایب انگلونه اسپتراباد برقرار نموده است مراتب بعضی حضور همایون رسیده زیاده از حد درجه قبول و استیحان پذیرفت فرمان همایون در امضای این سترا داد بهای الملک که از وی کمال پغرضی و اسپباب خوشنودی رضای قاطبه اهل اسپتراباد بود بشراف نفاذ مقرون گردید و مقرر شد که موافق قرار داد بهار الملک در پیشکاری محمد علیخان نایب انگلونه بتجدیم

خدمات دیوانی پردازد

و از قراریکه نوشته بودند بجز آنکه تعالی در فصل بهار از درای رحمت بی منتهای حضرت اسباب العطا اعمت نفاذ و جلالت آلاء امطار سبحان فضل و عنایت متفاطر در برید نوید مزینت متوالی و متواتر بوده است و عسوم مردم آسایش حاصل و بار فایستی کمال بدعی بقای عسود دولت سرکار علمحضرت همایون شاهنشاهی خلد آنکه و سلطان مشغول میباشد.

کل محمد نام افغان که در قراتپه مازندران کشتی داشت همواره در تاخت و تاز راهسنا و معاون ترا که صحراشین میبود این اوقات پسران محمد صادقان کرد محله اورا با چند نفر از ترکانان دستگیر نمودند و بهای الملک حاضر کرده بودند بهار الملک آنها را مجبور پس ساخته است تا در مقام خود با شقام نکات عمل خود دوچار گردند

اخبار ممالک نرسیده خارجه



نومبر ۱۹۰۰

سخن از کلمات خاتمه و بیان توفیق و تکیه دنیا می باشد

از قراریکه در میان مردم شهرت کرده است اشخاص چندین میدانند دولت یکی دنیای شمالی در ترقیات صنایع و علوم  
 و بیاسی دولتی و نظم کشور و لشکر از دول فزونی عقبمانده است و این شهرت خیلی بیجا است اولیای آن دولت کمال  
 مراقبت را در پیش راه نواحی از صنایع و تربیت ملت خود دارند قوه بحری و تبری او گسترده است و جمع دولت نیست بلکه از اکثری قسرت است  
 امروز از فستار یک حساب کرده اند حساب دستپستی است قریب شش هزار فرسخ راه آسانی موجود دارد که پستیها و تجارت عبور و مرور  
 و مال تجارت را حمل نمایند با وجود جنگ که چند سال است در میان است دو هزار فرسخ دیگر در دست دارند و غنچه پستان تمام  
 خواهد رسید و دوازده هزار سیتم لغراف برای مجاره کشیده شده است چهار هزار و پنجاه و دو در نامه دارد که هر کدام بطور  
 اختلاف در ایام مختلفه چاپ میشود قیمت کتب و روزنامهجات که در سال گذشته از چاپخانه بیرون آمده و مردم به بیسایع نموده اند  
 مبلغ چهل و دو تومان بوده است و این یک دلیل بزرگ تربیت و باسواد بودن ملت یکی دنیاست تربیت اطفال بعد از  
 دولت و از اکثر شیوه چیزی میگیرد از قراریکه از کالیفرنیا نوشته اند طوفان شدیدی در سواحل آنکهک اتفاق  
 افتاده که چندی بود دیده نشده بود چهار فرسخ کشتی تجار که سیاح و تجارت در کنار داشت غرق شده خیلی ار  
 عابرین اموال تلف شده است. از قراریکه در کتب حیوانات و غیره حکمانوشته اند اسم مرغ را  
 درج کرده اند که پیش بود ولی بعد از طوفان نوح آن مرغ دیده نشده بود مگر در این اوان دو نفر معدیچه در ولایت  
 رلان جدید که در نزدیکی او نظایان است مشغول تجسس طلا بودند غروب آفتاب از برودت هوا آتشی از وقت بود  
 یکی از آنها میبیند که در بالای تپه مرغ غریب و عجیبی نشسته آتش را تا شایکند از قراریکه خود آنها تقریر کرده اند از  
 شتر مرغ که از جمیع طيور بزرگتر است این مرغ برباب بزرگتر بوده است این دو نفر تعجب نموده مرغ را تعاقب  
 میکنند از قراریکه مذکور شد آتشش دراع بدون کرون و سپه در تعلق این مرغ است سه سخت دارد و هلد  
 پس انگشتی آن مرغ و دوازده بند انگشت است همکند آن دو نفر را میپسند فریاد میدادند و آنکه پرواز نماید در پیش  
 تندتر از آب است در دو دقیقه از نظر آنها ناپدید میشود مراتب را آمده برای حاکم نقل مینمایند قرار داده  
 میشود هر کس آن مرغ را زنده یا مرده پیدا و در هزار تومان انعام باو بدینند اگر پیدا

شود از غریب دنیا خواهد بود هر چه من بعد در سینه باب

اخبار برسد برای اطلاع مردم در

روزنامه نوشته خواهد

شد

۳